

مآلک شجاعی جشقانی

# سرآغازهای تجدید شناسی فلسفی در ایران معاصر

فروغی و مسائل تجدید ایرانی





## ادبیات / داستان / علمی

- سرشناسه: شجاعی جشوقانی، مالک، ۱۳۶۱.  
عنوان و نام پدیدآور: سرآغازهای تجدیدشناسی، فلسفی در ایران معاصر: فروغی و مسایل تجدد ایرانی /  
مالک شجاعی جشوقانی.  
مشخصات نشر: تهران: نشر فلات، ۱۳۹۸.  
مشخصات ظاهری: ۱۹۲ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۴۳۹-۱-۵  
وضعیت فهرست نویسی: فیپا  
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۸۵.  
موضوع: فروغی، محمدعلی، ۱۲۵۴-۱۳۲۱.  
موضوع: Foroughi, M.A.  
موضوع: تجدد -- ایران -- تاریخ  
موضوع: Modernity -- Iran -- History\*  
موضوع: ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴-۱۳۲۰ -- سیاست و حکومت  
موضوع: Iran -- History -- Pahlavi, 1925-1941 -- Politics and government  
رده بندی کنگره: ۳۱۳۹۸ش ۴۶ / ف ۱۴۸۶ DSR  
رده بندی دیویی: ۹۵۵ / ۰۸۲۰۹۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۱۱۱۹۵



نشریات  
سراغزهای تجدید شناسی  
فلسفی و زیاده‌ها  
فروغ و مسائل تجدید

هالک شجاعی جسر قلی  
عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مدیر هنری و طراح جلد: امیرمسعود بیابان  
ویراستار زبانی و صفحه‌آرای متن: بنفشه داد  
چاپ اول: ۱۳۹۸  
شمارگان: ۳۰۰  
قیمت: ۳۸۰۰۰ تومان

تمامی حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن به هر صورت  
کامل، یا بخشی از آن، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر، انتشار  
الکترونیکی، فایل PDF) ممنوع است.

نشر فلات: تهران، خیابان فرجام، ابتدای گلشنی شمالی  
شماره ۳۵، طبقه دوم، واحد ۴.  
تلفن: ۷۷۷۲۴۳۷۳

[www.nashrefalat.com](http://www.nashrefalat.com)  
[telegram.me/falatpub](https://telegram.me/falatpub)  
[www.instagram.com/falatpub](https://www.instagram.com/falatpub)

## فهرست

|     |                                                        |
|-----|--------------------------------------------------------|
| ۷   | مقدمه                                                  |
|     | مؤلفه‌های سیر حکمت فلسفی فروغی                         |
| ۱۹  | پیشینه تاریخی فلسفه سیاسی در ایران                     |
| ۲۵  | سیر حکمت در اروپا: مدل آن                              |
| ۳۳  | گزارش اجمالی کتاب                                      |
| ۳۵  | فروغی و حکمت یونانیان                                  |
| ۳۹  | فروغی و حکمت سقراط و افلاطون                           |
| ۴۵  | ارسطو به روایت سیر حکمت                                |
| ۴۹  | خوانش فروغی از افلاطون                                 |
| ۵۳  | رنسانس علمی تمدن اسلامی و قرون وسطی مسیحی              |
| ۵۵  | خوانش قرون وسطی در سیر حکمت                            |
| ۶۹  | خاستگاه‌های تجدد فلسفی به روایت سیر حکمت در اروپا      |
| ۷۵  | عقلانیت به مثابه بنیاد روشنگری و فلسفه جدید            |
| ۷۹  | دکارت و بنیادگذاری تجدد فلسفی                          |
| ۸۳  | دکارت و مسئله سوپرکتیویسم                              |
| ۸۶  | علم نیوتنی و فلسفه دوران جدید                          |
| ۹۱  | اندیشه پیشرفت و مناسبات آن با تجدد                     |
| ۹۵  | کانت پژوهی فروغی                                       |
| ۹۹  | کانت در عالم ایرانی                                    |
| ۱۰۳ | کانت، فیلسوف تجدد                                      |
| ۱۰۹ | فلسفه ایدئالیسم آلمان در آئینه سیر حکمت در اروپا فروغی |
| ۱۱۳ | هگل؛ نقطه اوج ایدئالیسم آلمانی                         |

|     |                                                    |
|-----|----------------------------------------------------|
| ۱۱۹ | هگل و گفتمان فلسفی تجدد                            |
| ۱۲۱ | فروغی و پوزیتیویسم                                 |
| ۱۲۳ | فروغی و مواجهه با دلالت های دینی- فلسفی داروینیسیم |
| ۱۲۷ | خوانش فروغی از نیچه                                |
| ۱۳۱ | نیچه‌لیسم نیچه                                     |
| ۱۳۹ | فلسفه معاصر در آئینه سیر حکمت در اروپا             |
| ۱۴۷ | فروغی و فلسفه تطبیقی                               |
| ۱۵۳ | فروغی و فلسفه اسلامی                               |

|     |                                                           |
|-----|-----------------------------------------------------------|
|     | فروغی و امکانات و محدودیت های رویکرد ترجمه فرهنگی به تجدد |
| ۱۶۱ | رویکردها، تجدد و غرب شناسی                                |
| ۱۷۷ | سخن پایانی: فروغی و طرح برای رویکرد ترجمه فرهنگی به تجدد  |
| ۱۸۳ | منابع                                                     |

## مقدمه

محمدعلی فروغی (۱۳۲۶-۱۲۵۶ ه.ش) برای ایرانیان بیش از آنکه به عنوان «تاریخ‌نگار» سیر حکمت در اروپا شناخته شود، چهره‌ای سیاسی-ادبی است که بخش عمده‌ای از عمر خود را در مشاغل بسیار مهم و تأثیرگذار سیاسی گذرانده است. تألیف، ترجمه، تصحیح آثاری در ادبیات، تاریخ، حقوق، فلسفه، فن خطابه و.... گستره‌ی علاقه‌اش به عدغه‌های فروغی را نشان می‌دهد. فروغی چنانکه در دیباچه کتاب سیر حکمت در اروپا تصریح کرده است، این اثر را مقدمه‌ای برای فهم بهتر گفتار در روش، مارت قرار داده و کار خود را معرفی اجمالی تاریخ فلسفه اروپایی می‌داند. به جهت فهم خاصی که از دکارت و موقعیت او در فلسفه و فرهنگ اروپایی دارد، مقدمه کتاب گفتار در روش دکارت اقدام کرده است. دیباچه‌های فروغی بر مجلدات، به گانه کتاب، حاوی نکات قابل تأمل و جالبی است که به خوبی نگاه او به فلسفه و تاریخ فلسفه را نشان می‌دهد.

این طرح در صدد است با توجه به مجموعه آثار منتشر شده «از» و «درباره» فروغی و با توجه به بنیاد فکری آن، یعنی از طریق تحلیل محتوای فلسفی متن کتاب سیر حکمت در اروپا به بازخوانی تلقی فروغی از تجدد و تأثیر آن بر غرب‌شناسی و تجددشناسی ایرانیان بپردازد.

• سرآغازهای تجددشناسی فلسفی در ایران •

ما در اینجا آگاهانه و عامدانه ورودی به شخصیت سیاسی فروغی نداشته‌ایم و فقط کارنامه فلسفی-فرهنگی وی - از منظر مواجهه با تجدد - و نوع غرب‌شناسی و تجددشناسی فلسفی منظوری در سیر حکمت در اروپا محل بحث ما است. با توجه به موقعیت محوری کتاب سیر حکمت در اروپا، پژوهش ما حول محور این کتاب خواهد بود.

فرض محوری ما آن است که - چنانکه خود فروغی در مقدمه بر سیر حکمت تشریح کرده - آشنایی عمیق با تجدد از طریق مبانی فلسفی و اندیشه‌ای آن است و می‌توان نسبت تجربه و کارنامه فلسفی و تجددشناسی فروغی را به نحو منسجمی حول این کتاب (سیر حکمت در اروپا) بازخوانی کرد و از طریق آن به دریافتی عمیق از تجددشناسی فروغی - و به تبع آن دریافتی از بخش قابل ملاحظه تجربه تجددشناسی فرهنگ ایرانی معاصر و نوع مواجهه فرهنگ ایرانی با تجدد دست یافت.

از زمان انتشار نخستین چاپ سیر حکمت (سیر حکمت در اروپا، محمدعلی فروغی، تهران، مطبعة مجلس: ۱۳۱۰) تا کنون، این کتاب نخستین و تنها مجموعه تاریخ فلسفه غرب از یونان تا اوایل قرن بیستم است که توسط يك ایرانی تفریر شده و با استفاده از تعابیر هگلی، نخستین بار است که يك ایرانی کوشیده تا فلسفه جدید اروپایی و به یک معنا تجدد فلسفی بر سبب فلسفه تینده تجدد را به زبان فارسی و فرهنگ ایرانی بیاموزد. عین عبارت او در سیر حکمت آن است که: «کوشیده‌ام افکار اروپایی را به شیوه بیان ایرانی ارائه دهم و اطلاعاتی را که در زبان و بیان ما سابقه نداشته است، از نو بسازم. اگر قصوری رفته ما را معذور دارند که در این راه پیش از ما کسی قدم نگذاشته و جاده کوبیده نشده بود.» (فروغی، ۱۳۸۹: ۵۱۹)

سیر حکمت نه تنها فهم آکادمیک (هنوز هم در برخی دانشگاه‌ها از جمله گروه فلسفه دانشگاه تهران، این کتاب جزو منابع اصلی است) و حتی عمومی و غیر آکادمیک ایرانیان از فلسفه غرب را شکل داده، بلکه جزو منابع اصلی و شاید بتوان گفت مهم‌ترین منبع غرب‌شناسی فلسفی بزرگانی چون مرحوم استاد مطهری (ره) بوده است. مطهری در میان اساتید فلسفه اسلامی روزگار ما بیش از دیگران مباحث فلسفه تطبیقی ورود پیدا کرده و پیشگام غرب‌شناسی فلسفی از موضع فلسفه اسلامی است؛ از این رو امکانات و محدودیت‌های سیر حکمت، غرب‌شناسی فلسفی مرحوم مطهری را (به نحو سلبی و ایجابی) متأثر ساخته و این امر از جهت فهم غرب‌شناسی عالمان دینی هم‌روزگار ما درخور مطالعه جدی است. البته تطبیق به تربیت و نقل قول صرف از کتاب فروغی اکتفا نکرده و در موارد قابل ملاحظه به تفسیر آن هم پرداخته است، چنانکه ضمن اشاره به بحث فروغی در باب فطره‌گرایی دکارت و مقایسه آن با عقل بالملکه قدما، توضیحات انتقادی مبسوطی را مطرح کرده است. (طباطبایی و مطهری، ۱۳۷۷: ۳۳)

این نکته هم گفتنی است که علی‌رغم انتشار آثاری «از» و «درباره» فروغی، آنچه در پژوهش‌های ناظر به فروغی مغفول مانده است، بررسی از نقش و سهم پروژه فکری-فلسفی محمدعلی فروغی در شکل‌دادن به نوع و وجه فرهنگ معاصر ایرانی با تجدد با تأکید بر تجدد فلسفی است.

نکته محوری، بازخوانی این مواجهه با تأکید بر تجربه روحی و با محوریت غرب‌شناسی فلسفی او یعنی سیر حکمت در اروپا است. فروغی چنانکه تصریح کرده است- کتاب سیر حکمت را برای فهم بهتر رساله «گفتار در روش» رنه دکارت به عنوان مؤسس فلسفه و علم و غرب جدید و به یک معنا مدرنیته (تجدد) نگاشته است. درواقع هدف اصلی فروغی معرفی دکارت و مقام او به فرهنگ ایرانی بوده است.



## • سرآغازهای تجددشناسی فلسفی در ایران •

وی در بحثی با عنوان «مقام دکارت» به این نکته اشاره کرده است که پس از جنبش یونانیان در علم و حکمت و تأسیس فلسفه به وسیله افلاطون و ارسطو، نخستین انقلاب در این تأسیس از آن دکارت است. وی در ادامه می‌گوید، اگر کسی به مقام دکارت و انقلابی پی نبرد که او در علم آورده است، معرفتش در علم و فلسفه ناقص خواهد بود. (فروغی، ۱۳۸۹: ۱۸۷)

از نظر فروغی، دکارت پیشگام عبور از حاشیه نویسی قدما و ناقد ناکارآمدی منطق ارسطویی در پژوهش علمی است و مهم‌تر از همه اینکه دکارت برخلاف بیکن «رفاً خودگیری نکرده و با اختراع هندسه تحلیلی و تکمیل جبر و انقلاب در طبیعت، بر معنایی علم و حکمت اسکولاستیک را نشان داده که همه حکایت حد و رسم و سنس و فصل و دریک کلام، لفاظی و خیال‌بافی بوده است». (همان: ۱۸۷)

انقلاب دکارتی از نظر فروغی به این موارد محدود نمی‌شود، او در فلسفه هم انقلاب کرده است و «بیان شایسته حکمای قدیم و عرفا را که گفته بودند عالم ظاهر حقیقت ندارد»، به «وجه علمی» باز نموده و نشان داده است که محسوسات انسان با واقع مطابق نیست. همان‌جا (۱۰۲) اینکه فروغی کوشیده است فرهنگ ایرانی را با دکارت آشنا کند و سپس حکمت را مقدمه فهم دکارت قرار داده است، با توجه به عبارات فوق قابل فهم خواهد بود.

نخستین صورت‌بندی‌های جدی از مسئله فلسفی تجدید (مدرنیته) در آثار فلاسفه غربی، به‌ویژه رنه دکارت در گفتار در روش، ایساک نیوٹن کانت در رساله روشنگری چیست؟ و بعدها فردریش هگل در آثاری چون پدیدارشناسی روح و مقدمه بر فلسفه حق و به‌طور شاخص در کتاب درخشان گفتمان فلسفی تجدید (مدرنیته)<sup>۱</sup> اثر یورگن هابرماس، فیلسوف آلمانی هم‌روزگار ما آمده است.

البته بعدها در گفتمان پست مدرنیستی کسانی چون فوکو، دریدا و لیوتار و... گفتمان تجدد با نقدهای فلسفی-جامعه‌شناختی جدی مواجه شده است. در ایران معاصر هم از دهه ۴۰ و در گفتمان روشنفکری - اغلب غیرآکادمیک - رویکردهایی هم‌دلانه، انتقادی، ستیزه‌جویانه و بعضاً غرب‌گزینانه به تجدد (مدرنیته) شده است که مشخصات برخی از شاخص‌ترین آثار نمایندگان این گفتمان را در بخش پایانی (پیشینه بحث) آمده است.

گفتمان فاضلی‌ای که حول تجدد (مدرنیته) قابل طرح است، عمدتاً رویکردهای فلسفی-متفکرانی چون کانت و هگل در دوره مدرن (جهت‌تثبیت و به‌نوعی تثبیت‌کننده مدرنیته) است که علی‌رغم بعضاً نقدهایی درونی به تجدد (مدرنیته)، ... رچوب گفتمان مدرن قرار دارند و در تقابل آن نگاه انتقادی رادیکال متفکران و فیلسوفان پست مدرن همچون فوکو، لیوتار و دریدا و... به تجدد (مدرنیته) حمله جدی دارد اما هابرماس ضمن همدلی و پذیرش نقدهای جدی به مدرنیته، در روزه ناتمام مدرنیته دفاع می‌کند و در کنار نقد عقلانیت ابزاری - به مثابه قلب تپنده مدرنیته و تجدد - به تأمل در باب امکان عبور از معضلات و دشواری‌های مدرنیته با طرح مضامینی چون عقلانیت ارتباطی و... می‌پردازد. رویکرد اخیر به این امکان را می‌دهد که در دوگانه قبول یا طرد تمام‌عیار تجدد گرفتار نشویم. رچوب قابل دفاعی از مواجهه فرهنگ ایرانی (با تأکید بر مسیر حکمت در اروپا / فروغی) با تجدد (مدرنیته) داشته باشیم. به نظر می‌رسد چارچوب مفهومی ترجمه فروغی - به مثابه رویکرد متخذ از شیوه مواجهه فروغی با فلسفه غرب بتواند با این مبادی نظری گفته شده هماهنگ باشد.

ما در اینجا به برخی از مطالعات پیشین در این حوزه اشاره می‌کنیم. کتاب زندگی و زمانه محمدعلی فروغی، تألیف احمد واردی که تنها منبع مستقل در

## • سرآغازهای تجددشناسی فلسفی در ایران •

باب فروغی است، در اصل پایان‌نامه دکتری مؤلف در دانشگاه یوتا بوده است که به زبان فارسی ترجمه و منتشر شده است. کتاب با «یادداشت مترجم» آغاز می‌شود که در آن نکاتی اصلاحی از بستگان نزدیک فروغی نقل شده است. بخش بعدی کتاب «درآمد» است که مؤلف در آن به اختصار تمام به انقلاب، بیروطنه و نقش روشنفکران در سیاست اشاره کرده است. بخش بعدی کتاب پیش‌زمینه تاریخی» نام دارد. در این بخش به طور اجمالی به بررسی تاریخ ایران از اواخر قرن نوزدهم تا جلوس محمدرضا شاه پرداخته شده است. فصل دوم به زندگی محمدعلی فروغی اختصاص دارد. مؤلف بعد از «بحثی درباره منابع» به اختصار به مباحثی چون «خاندان فروغی»، «کودکی و تحصیلات فروغی»، «انقلاب» شروع و جنگ جهانی اول» و «کنفرانس صلح ورسای» پرداخته است. فصل سوم کتاب به آثار محمدعلی فروغی اختصاص دارد. در این فصل به اختصار فعالیت‌های نویسندگی فروغی بررسی شده است؛ از ترجمه‌های او در دوره جوانی و دهه‌های بیست و سی که در دوره معلمی می‌نوشت تا آثار فلسفی و تصحیحات وی در اواخر عمر. فروغی از ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰ تقریباً به حالتی نیمه‌مغضوب، به دور از کارهای «یاسر» به سربرد. در تمام این مدت فقط به کارهای ادبی و فرهنگی پرداخت و حاضر در آن هم تصحیح کلیات سعدی و تکمیل تألیف سیر حکمت در اروپا و چند اثر دیگر است که برخی از آنها بعد از گذشت بیش از هفتاد سال هنوز مرجع بسیاری از خوانندگان مانده است. فصل چهارم به «جایگاه فروغی در تاریخ ایران» اختصاص دارد. در این فصل به اختصار تمام به نقش فروغی در اصلاحات دوره پهلوی و این پرداخته شده است. سپس به طور اجمالی به «فعالیت‌های ماسونی فروغی و نقش فراماسونری ایران در سیاست جدید» اشاره شده است.

محمد افشین وفایی به نقد مفصل این کتاب پرداخته است و داوری نهایی وی آن است که: «این کتاب برای آنکه به خوانندگان آشنایی مختصر و مفیدی

دربارهٔ محمدعلی فروغی دهد مناسب است، اما اگر ایشان توقع داشته باشند با مطالعهٔ آن از تمام جزئیات زمانه و زندگی فروغی آگاه شوند، گمان نمی‌کنم توقع‌شان به کمال برآورده شود. هنوز جای کار در این باره بسیار است. اما آنچه اهمیت این کتاب را زیاد می‌کند، این است که مؤلف سعی کرده تحقیقی بی‌طرفانه انجام دهد. چیزی که متأسفانه جای خالی‌اش مخصوصاً در تحقیقات دربارهٔ تاریخ معاصر ایران بسیار احساس می‌شود. باری به گمان من پس از اصلاح بعضی اغلاط و تکمیل برخی مباحث، این کتاب برای آشنایی با زندگی و زمانهٔ فروغی سودمندتر خواهد بود.» (بخارا، ۱۳۹۳: ۱۳۰-۱۲۴)

کتاب دیگری که به ریشه‌شناسی تجدد ایرانی با تأکید بر یکی از آثار مهم فروغی پرداخته، از چرچگیز روان با عنوان *ریشه‌های تجدد* (نمونهٔ مدرسهٔ علوم سیاسی و رسالهٔ تحت‌السرانی اثر محمدعلی فروغی) است که نشر قطره به سال ۱۳۸۳ منتشر کرده است. مؤلف در مقدمهٔ ویراست جدید این کتاب گفته است، موضوع این کتاب به رسم ایجاد تاریخی مؤسسه‌ای آموزشی آن هم در عرصه‌ای تخصصی است و درک تاریخ معاصر ایران با ابزاری مصنوعی و ساختگی و وام‌گرفته به صورت استنباطات بیش از اندازهٔ کلی‌گویانه به جایی نمی‌رسد و راه به جایی نمی‌برد. این ابزار گاه در هر دست‌نویس سربرمی‌آورند و گاه در کسوت فخر کاذب فلسفی یا تحلیل‌هایی ناپایدار به نام استبدادزدگی یا اندیشهٔ سیاسی که نمی‌توانند هیچ جایگاه مشخصی در چارچوب علمی-فرهنگی دست‌وپا کنند. بررسی تأسیسات تمدنی و درست‌نگری کردن‌هایی از این دست از تأسیسات ما را قادر می‌سازند دستاوردهای مردمان پیش از خود و مردمان هم‌عصر خود را در چارچوب‌هایی منسجم بسنجیم و جایگاه فرهنگ و کشورمان را چنانکه سزاوار است درک کنیم.

پهلوان معتقد است، رسالهٔ فروغی حداقل سه چیز را به نمایش می‌گذارد؛ نخست، تسلط او را به زبان فارسی در آن هنگام و دود دیگر معادل‌سازی متعارف

• سرآغازهای تجددشناسی فلسفی در ایران •

و مفهوم برای روزگاری که هنوز بسیاری از مفاهیم حقوقی غرب جا نیفتاده بود و سه دیگر قدرت اظهار نظر در هر مورد که بنا به ضرورت پیش آمده بود. مقدمه پدر او نیز دو جنبه دارد. نخست ارتباطی انسانی و آمیخته با احترام در آن خانواده در آن روزگار و دوم آگاهی او از اهمیت کاری که انجام گرفته است و بالاخره توجه به ضرورت فراهم آوردن متن های درسی برای مدرسه ای که تازه راه افتاد بوده است، آن هم در کشوری که هنوز با این دسته از مفاهیم و معناها آشنایی منسجم و پرورانده کسب نکرده بوده است. کسی که با اندیشه تحول فرهنگ آشنایی دارد می داند و می فهمد که هریک از این کوشش ها چه اهمیتی در عرصه تحول اندیشه دارند.

طبق بررسی تحلیلی ملوان، تمایزگذاری میان مفاهیم در آن دوره مانند تفاوت میان اجتماع و جمع در رساله فروغی مشهود است. از این گذشته او جای جای ابراز عقیده می کند. و با اعتدال که سرشت او بوده است به داوری می نشیند. فروغی اجتماع را بایده ای گذرا می بیند و انجمن را با خصلتی تکرار شونده توصیف می کند. می نویسد اجتماع موقتی است و انجمن «اجتماعی است که هر روز و یا به فاصله های ... آن به جهت مقصود مشخص وقوع می یابد.» یا در ارتباط با تعلیم و تعلم، «آن را کامل این حوزه را توصیه نمی کند و آن را اندیشه ای درست نمی داند»

جمع بندی پهلوان در باب اهمیت رساله فروغی آن است که از دو جهت باید به این رساله توجه داشت؛ یکی در ارتباط با زمان انتشار آن است و دو دیگر در ارتباط با زبان و اندیشه فروغی است. از اینها گذشته، با اصطلاحاتی را که فروغی به کار برده است درست سنجید و اهمیت آنها را ارج نهاد. مهم ترین مفهوم به کار رفته در این رساله همانا مفهوم مشروطه و مشروطیت است.

از سوی دیگر، این متن مهم نشانگر آن است که به چه میزان به تنظیم متون درسی توجه می شده است و از این گذشته به چه اندازه تنظیم این متون

## ● مقدمه ●

در چارچوب فرهنگ ایرانی سروسامان می‌یافته است. متن دروس حقوق اداری نه فقط به سنت تاریخ ایران پیش از اسلام نگاه می‌اندازد، بل به همان نحو عناصر دوران اسلامی و به خصوص شیعی را برمی‌گیرد و آنها را در یک متن درسی به گونه‌ای شایسته می‌گنجانند.

پهلوان تصریح می‌کند، سرنوشت مدرسه علوم سیاسی را نمی‌توان سرسری گرفت و «فخرفروشی کاذب از درک تحول تاریخ و مراحل فرهنگی یک تحول بازمانده». این مدرسه فارغ التحصیلانی به جامعه عرضه کرد که تمام نظام اداری، سیاسی، حرفه‌ای و مالی ایران را به دست گرفتند و اداره کردند. (پهلوان: ۹-۳)

علی اصغر عبادی در کتاب محمدعلی فروغی و ساختارهای نوین مدنی که انتشارات کویر به سال ۱۳۸۴ منتشر کرده، معتقد است فروغی اندیشمندی عملگراست؛ وی گذشتہ زمان را به تحقیقات نوگرایانه در زمینه‌های مختلف فرهنگی که برخی از آنها برای نهادهای دولتی و سازمان‌های دولتی منتشر می‌شدند، در فعالیت‌های اجرایی و مقامات سیاسی نیز وارد شد و با پشتکار و پشتوانه علمی و فکری که داشت، توانست بعضی از نهادهای مدرن را در ایران تأسیس و راه اندازی کند. حضور در مقامات اجرایی به یاد کردن ایده‌های فکری در نهادهای سیاسی و فرهنگی و نهادسازی برای عمل کرد. آموزه‌های عقلانی، وجوه متمایزکننده محمدعلی فروغی از دیگر اندیشمندان، و کسانی که گران ایرانی در تاریخ معاصره شمار می‌رود؛ قرارگرفتن فروغی در پست‌های دولتی و فرهنگی از یک طرف به عملی شدن اندیشه تجدید در جامعه انجامید و از طرف دیگر باعث پدیدآمدن نهادهای مدرنی شد که چهره اجتماع و فرهنگ ایرانی را از الگوهای سنتی دور می‌ساخت. وی در باب سهم سیر حکمت در کلیت پروژه فروغی معتقد است همان‌طور که فروغی آگاهانه از سرآغازهای فلسفه مدرن خبرداشت و برای اینکه ایرانیان را متوجه جایگاه مرکزی فلسفه و خردورزی در تحول زیستی-فرهنگی خود کند، نخستین و بهترین متن را از سیر فلسفه در

## • سرآغازهای تجددشناسی فلسفی در ایران •

اروپا تهیه و منتشر کرد و همو بود که با ترجمه یکی از اصلی ترین رساله های فلسفه مدرن، به اهمیت روش در اندیشه ورزی اشاره کرد؛ با این حال، فروغی تجدد فلسفی را از رهگذر بازخوانی حکمت سنتی و نگره تاریخی به فلسفه می فهمید و به همین خاطر هم در پرورش فکری خود به آموزش حکمت قدیم پرداخت و هم به تصحیح متون کهن در فلسفه دوره اسلامی اقدام کرد و هم به ترجمه و انتشار فلسفه یونان مبادرت ورزید. (حقدار: ۸-۴)

سه مقاله هم در این حوزه منتشر شده است. نخست مقاله محمدعلی فروغی، سیر حکمت در اروپا نوشته دکتر کریم مجتهدی است. از نظر مجتهدی، کتاب سیر حکمت از لحاظ تاریخی و در مسیر آشنایی ایرانیان با فلسفه های جدید غرب ده عبق ترین صورت ارزیابی فرهنگ غربی است، اهمیت خاصی دارد و به لحاظ مواضع ایرانیان با تجدد نقطه عطفی در تاریخ فرهنگ معاصر ایران به شمار می رود.

به نظر مجتهدی ترجمه مطالب فلسفی در سیر حکمت فروغی در سطح بسیار بالایی است و در نحوه گرداندن اصطلاحات و مطالب مشکل و پیچیده زبان فرانسه، مؤلف سیر حکمت ثابت استادی را به خرج داده است. مجتهدی برای پایان دادن به شایعاتی که کتاب فروغی را ترجمه و گره برداری از برخی تاریخ فلسفه ها به زبان فرانسه همچون؛ تار، خال و آلفرد فویه و امیل برهیه دانسته اند، ضمن اشاره به فصول و مباحث مطرح شده در این دو تاریخ فلسفه به این نتیجه رسیده است که فروغی در نوشتن سیر حکمت از این آثار - به طور مستقیم - گره برداری نکرده است.

وی فرهنگ اصطلاحات فلسفی پایان کتاب را از ابتکارات فروغی دانسته و ضمن مثبت ارزیابی کردن اقدام فروغی که برخی ملاحظات انتقادی در باب این ترجمه ها را ارائه داده و بعضاً معادل های بدیل ارائه داده است، از اینکه به هیچ یک از منابع اصلی خود اشاره نکرده، از نقاط ضعف کار فروغی

• مقدمه •

می‌داند و نهایت اینکه اگر سیر حکمت به لحاظ فارسی‌نویسی یک دست و روان است، از لحاظ محتوایی نمی‌توان برای همه آنها ارزش یکسانی قائل شد.

(مجتهدی، ۱۳۸۴: ۳۴۱-۳۰۹)

حاتم قادری هم در مقاله فروغی و غرب: بیانی فرهنگی-روایی در غیاب ذهنیت فلسفی به این مسئله پرداخته است که علی‌رغم اینکه فروغی در سیر حکمت از اولین شارحان فلسفه و مقولات فکری-فرهنگی غرب در ایران معاصر است، این شرح در غیاب ذهنیتی فلسفی صورت گرفته و در نتیجه او نه یک «کاربین» (کارنی) بلکه متذوقی در زمینه علوم و اندیشه‌های غربی و در بهترین حالت «علم‌یاد» خویش است. (نامه پژوهش: ۲۰۶-۱۷۷)

عبدالله نصری هم در مقاله فروغی و حکمت اروپا، به تشریح مواجهه فروغی با مقوله تجدد پرداخته و هم‌تین کار فروغی در مواجهه با غرب را آشنا کردن ایرانیان با فلسفه غرب از طریق اندیشه‌های چون سیر حکمت و ترجمه گفتار در روش دکارت می‌داند. (نصری، ۱۳۸۶: ۱۳۴)